

بر کوه چو پدید فیض از دریای من ... که نبوی ذو الفقار بر او در دست دل
نور کردی بر این نفس از دریای من ... خاک را پیش درویش من بجای من
نیکبندیدم او بر دیده بجای من ... بی من تنها بوضعش فروری کیتم غیر
این هر که گشتی شنیده از آبی من ... ای صبا در کوفت خاکم بر سوی بخت ... بعد
مرد چون فروردین در نیم اقصای من ... التماس از آباب توفیق و اصباح
تحقیق آنکه بعد از تقدیریم بر سیم توفیق چون نظر بر مواضع نزل و مواضع نزل
از راهم زنده خایه اصلاح سازند چه فیق باین مبالغت در ده که خود را خاک کیم
می شمارد و تو هم فایده شکر ترا و آنکه فایده ناله از غصه مطهر ... و لاله من
کاس الکرام نصیب **ششم** من خود که کس در تنهای باشم **ششم**
ایل سل سواری باشم ... مقصود همین است که در شان علی ... که بر ختمی چیز و جا
باشم ... و قبیل از شرح و شرح ابیات مطالب مینه و ماب از جمله کرد
اشای شرح معنیست و التران سخن بر فایده جدید است مطهر خایه بخیر و بدو
بامر تقوی روح پرورش و منعت فایده همین است که شرف الابرار لا یختر **ششم**
اولی در بیان راه راست که مسلک صحیح است و چرا که بصیانت بر کوشش
البر فی نفس و من عی فعلها و ان علیا که یحفظ **ششم** و استقر اصول و اصول
عقاید باطنی فکرت و ان مسلک مشککین و حکما در بیان است و باطنی
ریاضت و ان مسلک صوفی و حکما از اقبین است که ایشان را راه اقبین هم
گویند مثل الصوفیون کالاتی و الاصح و البصر و السمع علی سبیل المثال افعالند
در طریق اول غایتش و شکسب است و قدم عقل از زکده افکار
م باقی بسته لایان جوین بود ... باقی جوین بخت می کلین بود ... که کسی از
عقل کلین بودی ... فروردی را در درون بدی ... غایت و سلل مناسبت و سلا
و اساس قیاس بر همین و گرفت و ما شیخ کریم الاطمان الفی فی الیقینی
من این شین بعضی در مدرسه میان اهل و سوسه بسیار جان کنده اند و کنی

این کتاب در بیان اصول و عقاید است
و در بیان راه راست که مسلک صحیح است
و چرا که بصیانت بر کوشش
البر فی نفس و من عی فعلها و ان علیا که یحفظ
و استقر اصول و اصول
عقاید باطنی فکرت و ان مسلک مشککین و حکما
در بیان است و باطنی
ریاضت و ان مسلک صوفی و حکما از اقبین است
که ایشان را راه اقبین هم
گویند مثل الصوفیون کالاتی و الاصح و البصر و السمع
علی سبیل المثال افعالند
در طریق اول غایتش و شکسب است
و قدم عقل از زکده افکار
م باقی بسته لایان جوین بود
باقی جوین بخت می کلین بود
که کسی از عقل کلین بودی
فروردی را در درون بدی
غایت و سلل مناسبت و سلا
و اساس قیاس بر همین و گرفت
و ما شیخ کریم الاطمان الفی فی الیقینی
من این شین بعضی در مدرسه میان اهل و سوسه
بسیار جان کنده اند و کنی

چند از عقیده در کون عقل آنگونه نه در سخا نه تحقیق ماده عرفان نوشند و نه
در قدم بر سخا نه در سخا نه خلاق نوشند امام فخر الدین رازی گوید **ششم**
نفاست اقدار العقل عقالی و اکثره العالمین ضلالت و کفر و شرک و حال
و دولت ... بنیاد و جمیع امر عین و نال ... و کم من جبال قد عقلت شرفا نه
و حال فذلک و احوال جبال ... و اورا خشی و خسته من خشی ... و حاصل دنیا
ادبی و وبال ... و لا تستقدر من جبال طول عمرنا ... زوی آن همی فیه قیاس قابل
و بریح از امام شافعی رحمه الله روایت کن که چون شخصی کتب علماری
شخصی و بصیرت کن کتب کلام داخل و بصیرت نباشد برای آنکه کلام علم
و امام مالک گفته که لا یختر نهاده است اهل البصر و الاسوار و اصحاب اولیة
از او اهل الاسوار اهل الکلام علی ای نه صیبت کالوا و ابو یوسف روحا در نه
من طلب العلم بالکلام یزدنق و امام احمد رحمه الله کلام زانق
و غایت غایت علم در شان کلام امام غزالی است در احیاء کون
یک شخص می باید که این علم را نداند و دفع شبهه مستعدان تواند و عاقلان
اکابر مشککین تصحیح عقاید خود بد لای کلام کرده که تا خود از عقاید ایشان
نبوت علی السلام است و غرض از کلام غیر انجام حاصل از امام معانیست
ششم علم دین فقرت و تغیر وحدت ... هر که خواهد پذیرفتن کرد خست
و بعضی افسار عقیده از مردم چون ادا خست فقط اصلی در کون ساخته اند
یعنی اولیا و در ایشان بسیار است و بر چه کوشش ایشان برده انکارند و فطرت
نبوت و اربع این فایده نباشد و از خود سخن میزد بوده تراشند نه طبع
کند و اولی عقلی روند و نه توفیق تان باشد که بوی تحقیق شنودند نه توفیق
ذات لالی بولاد و لالی بولاد **ششم** از هر فساد و جنک جمع مردم گردند
ملکی که می خورد و کم ... در مدرسه هر علم که امروزه است ... فی القبر یقیم کلام
تا چند چنین جابل و امیر نبودن ... هر روز در توفیق برز بودن ... در بر صفا

دو ک
این کتاب در بیان اصول و عقاید است
و در بیان راه راست که مسلک صحیح است
و چرا که بصیانت بر کوشش
البر فی نفس و من عی فعلها و ان علیا که یحفظ
و استقر اصول و اصول
عقاید باطنی فکرت و ان مسلک مشککین و حکما
در بیان است و باطنی
ریاضت و ان مسلک صوفی و حکما از اقبین است
که ایشان را راه اقبین هم
گویند مثل الصوفیون کالاتی و الاصح و البصر و السمع
علی سبیل المثال افعالند
در طریق اول غایتش و شکسب است
و قدم عقل از زکده افکار
م باقی بسته لایان جوین بود
باقی جوین بخت می کلین بود
که کسی از عقل کلین بودی
فروردی را در درون بدی
غایت و سلل مناسبت و سلا
و اساس قیاس بر همین و گرفت
و ما شیخ کریم الاطمان الفی فی الیقینی
من این شین بعضی در مدرسه میان اهل و سوسه
بسیار جان کنده اند و کنی

Copyrighting ersity